

معماران کلام

گزیده مصاحبه‌های
سودابه زنگنه (ادبیات)

www.ketab.ir

روشنای اندیشه

۲۶

به کوشش سودابه زنگنه

روشنای کلمه

به کوشش: سودابه زنگنه
ناشر: سمت روشن کلمه
مدیر مسئول: پداله شهرجو
مدیر اجرایی: هانا زارعی
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۱۹۶-۵۳-۴
صفحه آرا: زهرا عاشوری
طراح جلد: دکتر محمد فرخی
چاپ اول: تابستان ۱۴۰۳
چاپ و صحافی: ایرانیان
شمارگان: ۳۰۰ نسخه
قیمت: ۱۷۰/۰۰۰ تومان

سرشناسه: زنگنه، سودابه، ۱۳۵۱.
عنوان و نام پدید آور: معماران کلام/ گزیده مصاحبه‌های
سودابه زنگنه (ادبیات)/ به کوشش سودابه زنگنه.
مشخصات نشر: بندرعباس، نشر سمت روشن کلمه، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۲۶۸ ص. ۱۴٫۵ در ۲۱٫۵ س م.
فروست: انتشارات سمت روشن کلمه. روشنای اندیشه: ۲۶.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۱۹۶-۵۳-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
گزینه‌های گزیده مصاحبه‌های سودابه زنگنه (ادبیات).
مؤلفان: نویسندگان ایرانی - قرن ۱۵ - مصاحبه‌ها
۲۱st century -- Interviews -- Authors, Iranian
ادبیات فارسی - قرن ۱۴-۱۵ - تاریخ و نقد
-- Persian poetry -- Iran -- History and criticism
19th centuries - 20th centuries
رده بندی کنگره: ۱۷۲۵۳۰
رده بندی دیویی: ۸۱۰-۹۰۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۶۶۰۰۴۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

بندرعباس، چهارراه فاطمیه، خیابان شریعتی شمالی، کوچه جاودان ۴،
پشت کلینیک دندانپزشکی مهرگان، ساختمان پارسا، طبقه دوم
۰۹۱۷۳۶۵۷۰۵۰ - ۰۷۶۳۲۲۱۰۵۱۷
Samtreshan@gmail.com
instagram.com/samt_roshan
www.samtreshan.com

حق چاپ محفوظ است

فهرست

۱۳	هرمز علیپور
۳۱	جمال بیگ
۴۸	اسفندیار رشیدی
۶۵	یداله شهرجو
۸۲	سریا اودی حموله
۹۹	خسب پرهام
۱۱۷	وحید نیانی
۱۳۵	فاطمه حیدر
۱۴۷	راضیه موسوی
۱۶۴	فروزان مقصودی
۱۸۰	فریبا (افتخار) ثبوی نژاد
۱۹۷	ایرج عبادی
۲۱۰	سمیه جلالی
۲۲۲	رضا نظری ایلخانی
۲۴۰	نسرین شفیعی
۲۵۳	محمد آشور

مقدمه

مارتین هایدگر: زبان، خانه‌ی هستی است.

انسان ایرانی که غریبه‌ای در جهان مدرن محسوب می‌شود و در معادلات و معاملات مدرنیته هنوز و همچنان جایگاهی شایسته نیافته است، تنها مامن و پناهگاه‌اش، زبان و ادبیات هزار سینه‌ی تاریخی است. فارسی، زبانی است که با آن آثار ماندگار و فاخر جهانی پدید آمده که می‌تواند تکیه‌گاه قابل قبولی برای انسان بی‌پناه امروز ایران باشد. مهاجرتی که به بهانه‌ی تعصبات قومی و قبیله‌ای به زبان و ادبیات فارسی حمله می‌کنند، می‌دانند که ستیز آنان با مهم‌ترین پناهگاه ایرانیان است که اگر آسیبی به این زبان برسانند، ایرانی، بی‌ماوا و بی‌خانه خواهد بود.

در برهوتی که زبان و ادبیات فارسی به سرمای سخت زمستانی گرفتار آمده و کوشش‌گران این حوزه، خدماتی بی‌مزد و منت دارند و قدر نمی‌بینند و صدر

نمی‌نشینند، پرداختن به پاسداران تمدن کهن پارسی، کمترین وظیفه و کار رسانه است.

از این روی، بنا به توان، برای شناساندن بزرگانی که اراده و همت بر اعتلا، پایداری و ارتقای زبان فارسی گذاشته‌اند، تلاشی در روزنامه نقدحال صورت گرفته که بار اصلی این بخش که عبارت از گفت‌وگوست بر عهده‌ی سرکار خانم سودابه زنگنه قرار دارد. خردادماه سال ۱۴۰۲ مقدمه‌ای کوتاه بر کتاب «ادبیات الفبای فرهنگ» که گزیده‌ای از گفت‌وگو با اهالی کرمانشاهی فرهنگ بود، نگاشته آمد. اینک و درست یک سال بعد، در خرداد ۱۴۰۳ قرار است برگزیده‌ی دیگری از گفت‌وگوهای منتشر شده در روزنامه نقد حال با اهل فرهنگ و تلاش‌گران زبان و ادبیات فارسی، به زیور طبع و نشر آراسته آید.

به خانم سودابه زنگنه و تمامی عزیزانی که در کار آماده‌سازی، نشر و توزیع این کتاب سعی می‌ورزند، خسته نباشد و خدا قوت می‌گوییم و امید دارم که رنج وافرشان مقبول طبع مخاطبان ارجمند، قرار گیرد.

غلامرضا نوری‌علا

۱۴۰۳-۳-۳

پیش‌نویس

به عنوان کسی که به سبب‌های شغل خبرنگاری، آن هم در بخش ادبی، گزیده‌ای از مصاحبه‌های من با اهل ادب کرمانشاه با عنوان «ادبیات، الفبای فرهنگ» به چاپ رسید، بر آن شدم که جلد دوم را علاوه بر ادیبان کرمانشاهی به اصحاب قلم دیگر استان‌های ایران هم تخصیص دهم و با سعه صدر، مصاحبه‌هایی را که در طی چند سال انجام داده بودم، در بخش ادبیات با برنامه‌ریزی مدونی در دو جلد به چاپ برسانم.

جلد اول در آبان ماه ۱۴۰۲ به چاپ رسید و هم‌اکنون در برادر ماه ۱۴۰۳ تصمیم گرفتم که جلد دوم را هم به زینت چاپ آراسته کنم، باشد که اثری شود ماندگار در حیطه‌ی رسانه و ادبیات.

لازم به توضیح است که ارزش ادبیات و تأثیر آن بر یک جامعه را مجدداً گوشزد کنم. ادبیات به دو قسمت زبان به عنوان قالب و ماده یا محتوای ادبیات تقسیم می‌شود. اهل فن بین زبان ادبی با زبان روزمره تفاوت

قائل شده اند و ارتباط این دورا بررسی کرده اند. زبان ادبی با کمی انتزاع و موزونی، تخیل زاست و برعکس زبان روزمره صرفاً ارائه کننده ی واقعیت است.

ادبیات در فرم پیام رسان و در محتوا خود پیام است، از این رو می توان آن را وارد مقوله ی ارتباطات کرد، نکته ی دیگر آن که ادبیات هنجار شکن است و سعی می کند با استفاده از تخیل، از قواعد اجتماعی فراتر رود و برای این جهت، بر ابعاد اجتماعی آن افزوده می شود. غالباً ادبیات را افکار یافتنی می دانند که پشت پرده پنهان شده است و آن را تجزیه و تحلیل می کنند تا به افکار عمده ای که در آن بیان شده است پی ببرند. متعاقب تأثیر ادبیات در یک جامعه به مقوله ی رسانه و نقش آن در این رابطه می رسیم. محیه با ادیبان بابی را باز می کند که بتوان با اهل قلم موشکافانه تر به این سوله مهم پرداخت و پرداختن به آن می تواند بر روی جامعه تأثیر بسیار چشم گیر و به سزایی داشته باشد.

ماریوس بارگاس یوسا در کتاب «چرا ادبیات؟» می گوید: «ادبیات برای آنان که به آنچه دارند خرسندند، برای آنان که از زندگی بدان گونه که هست راضی هستند، چیزی ندارد که بگویند ادبیات خوراک جان های ناخرسند و عاصی است، زبان رسای ناسازگاران و پناهگاه کسانی است که به آنچه دارند خرسند نیستند. انسان به ادبیات پناه می آورد تا ناشادمان، ناکامل نباشد»، و در جای دیگر می گوید: «جامعه ای که خوب می خواند و استعداد آفرینش ادبیات خوب را دارد، فریب دادن این جامعه بسیار دشوارتر از جامعه ای مرکب از اهل جاهل است».

خاطر نشان می‌شوم هدف از چاپ مصاحبه‌هایی که مربوط به ادبیات
می‌شود، در بطن این گفته‌ی ماریوس بارگاس یوسا نهفته است.
«من این حروف نوشتم چنان که غیر ندانست
تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی»

سودابه زنگنه

خرداد ماه ۱۴۰۳

www.ketab.ir